
منابع نفت

سارا ذبیحی

www.ketab.ir

انتشارات
رهاد

سرشناسه : ذبیحی، سارا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور : منابع نفت/سارا ذبیحی.
مشخصات نشر : تهران: رها، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۰-۳-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : نفت — جنبه های اقتصادی
موضوع : Petroleum — Economic aspects :
موضوع : نفت — صنعت و تجارت — جنبه های اقتصادی
موضوع : Petroleum industry and trade — Economic aspects :
رده بندی کنگره : HD۹۵۶۰/۵ :
رده بندی دیویی : ۳۳۸/۲۷۲۸۲ :
شماره ثبت کتابخانه ملی : ۵۷۵۶۹۸۰

انتشارات
رها

منابع نفت

سارا ذبیحی

ناشر:	انتشارات رها
چاپ اول:	۱۳۹۸
چاپ / صحافی:	یزدا
قطع و تعداد صفحات:	رقعی - ۱۴۴
شمارگان:	۵۰۰ نسخه
بها:	۳۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹۹۰-۳-۷



پیش‌گفتار	۹
-----------------	---

بخش اول: تاثیر اقتصاد، سیاست و تردید در شکل‌گیری قیمت‌های نفت

مقدمه	۱۷
تصمیمات سیاسی و اقتصادی	۱۹
تصمیم‌های اقتصادی	۱۹
انواع تصمیم‌گیری‌های سیاسی	۲۱
منطق تدریجی	۲۱
مسائل غیرمالی	۲۲
صنعت نفت و سطح بالایی از تصمیم‌گیری‌های سیاسی	۲۴
یک تحلیل اقتصادی چه فایده‌ای دارد؟	۲۶
موازنه سیال قیمت	۲۶
مسئله صنعت نفت	۲۹
محدوده‌ها و گستره‌های قیمت‌های نفت	۳۲
قیمت‌های بازار	۳۲

۳۷		انواع بی‌ثباتی در بازارهای نفت
۳۸		موازنه سیال قیمت‌ها
۴۰		مفهوم محدوده موازنه سیال
۴۲		اولویت‌های سیاسی تولیدکنندگان مرکزی و ایالات متحده
۴۳		تفسیر نوسانات شدید قیمت نفت از پایان دهه ۱۹۶۰
۴۵		چرا یک گفتگو؟

بخش دوم: منابع نفتی: بازارها، سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها

۵۱		مقدمه
۵۲		قرارداد یک، هیچ
۵۳		مسئله اصلی: نه‌تایید و روندها
۵۷		تأثیر نفت بر سیاست‌های بین‌المللی و مناسبات امنیتی
۵۸		مشکلات نشأت گرفته از خارج خلیج فارس
۶۰		تأثیر ناآرامی‌ها در آسیا
۶۲		سیاسی شدن حوزه دریای خزر
۶۳		عدم تفاهم در زمینه گرمایش جهانی
۶۴		منافع، استراتژی‌ها، سیاست‌ها و اهداف ایالات متحده
۶۵		ارتقاء سطح حفاظت از محیط‌زیست
۶۶		افزایش تکیه بر نیروهای بازار
۷۰		کاهش وابستگی به واردات
۷۱		توصیه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها در سیاست‌گذاری

بخش سوم: منابع نفرین‌شده: نوسانات بازار نفت و شرایط سیاسی

۷۷		چکیده
۷۸		مقدمه
۸۲		شاخصی برای امنیت نفت

بخش چهارم: شوک‌های تاریخی نفت

- چکیده ۱۰۹
- ۱۸۵۹-۱۸۹۹: بگذار روشنایی باشد. ۱۰۹
- ۱۸۶۲-۱۸۶۴: نخستین شوک نفتی ۱۱۰
- ۱۸۹۹-۱۸۶۵: تکامل صنعت ۱۱۳
- ۱۹۴۵ - ۱۹۰۰: نیرو و حمل و نقل ۱۱۴
- کمیایی بنزین در ساحل غربی، ۱۹۲۰: ۱۱۵
- ۱۹۴۲ - ۱۹۴۶: اوایل دوران پس از جنگ ۱۱۸
- ۱۹۴۷-۱۹۴۸: تغییر موقعیت‌ها پس از جنگ ۱۱۹
- ۱۹۵۳ - ۱۹۴۲: جنگ کره و اختلالات عرضه ۱۲۰
- ۱۹۵۷ - ۱۹۵۶: بحران کانال سوئز ۱۲۰
- ۱۹۷۰-۱۹۶۹: افزایش قیمت ۱۲۳
- ۱۹۹۶ - ۱۹۷۳: شوک وپیک ۱۲۴
- ۱۹۷۴-۱۹۷۳: تحریم نفتی آمریکا ۱۲۶

پیش‌گفتار

«تعیین قیمت نفت نام» مبحثی است که در سراسر قرن بیستم، شرکت‌ها و دولت‌های تولیدکننده مصرف‌کننده نفت با آن دست به گریبان بودند. در طول یک‌صد سال گذشته، سیاست‌ها، تعاملات و معادلات بسیاری در این خصوص طراحی و به اجرا گذاشته شده است. اما آنچه که هنوز پیچیده به نظر می‌رسد، آن است که طی چه فرآیندی این مهم، یعنی تعیین قیمت نفت امکان محاسبه می‌یابد و اساساً بازیگران و عوامل این تعیین‌کننده‌اند؟ آنچه که روشن به نظر می‌رسد، سرآغاز ایجاد کارتل‌های بزرگ نفتی قراردادی بود که در سال ۱۹۲۰ بین شرکت «رویال داج شل» و «استاندارد اویل» به امضا رسید. این قرارداد با عنوان «As is Agreement» مبنایی شد برای تعاملات پیچیده در مبادلات تجاری طلای سیاه و متعاقب آن، هفت‌خوهران پس از جنگ جهانی دوم، کنترل بالادست و پایین دست صنعت نفت را در اختیار خود گرفته و برگ تازه‌ای را در «تعیین قیمت نفت» به دست زدند. اما این پایان ماجرا نبود؛ چراکه موج ملی‌شدن صنعت نفت در کشورهای خاورمیانه و آمریکای مرکزی، به یکباره منافع شرکت‌های بزرگ نفتی را که منابع و تجارت نفت را در اختیار داشتند، به مخاطره انداخت. حال کشورهای تولیدکننده نفت به چنان بلوغی رسیده بودند که دیگر به «حق‌العمل» دریافتی به ازای هر بشکه رضایت نداده و منافع بیشتری را از منابع خدادادی خود طلب کردند. اوج چنین جنبشی در سال ۱۹۶۰ و با تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC)

رقم خورد؛ جایی که ۵ کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و ونزوئلا در بغداد گرد هم آمدند و پایان تصاحب بازار نفت را توسط شرکت‌های بین‌المللی نفت جشن گرفتند.

از آن پس این OPEC بود که در سایه تصمیمات خود، قیمت نفت را تحت تأثیر قرار می‌داد و نزدیک به دو دهه بازار را به‌طور کامل تحت تسلط خود درآورد. اما بازار نفت و تعیین قیمت، تنها به بازیگران اقتصادی آن ختم نمی‌شود؛ معادلات سیاسی و حتی نظامی در بسیار از مقاطع، کفه ترازو را به نفع یکی از طرفین بازار سنگین کرده است. در سال ۱۹۷۳، هنگامی که اعراب نفت ارسالی خود به سوی غرب را قطع کردند، در عرض چند ماه قیمت به ناگاه از ۲/۳ دلار به ازای هر بشکه، به ۱۱/۵ دلار افزایش یافت. چنین افزایشی در آن شرایط اقتصادی ضربه سنگینی به غرب وارد کرد؛ به‌طوریکه کمیسیون ویکرود اروپا و آمریکا در پی اعتراضات بسیار گسترده مردمی شد. بدین شکل، دست در کنار اقتصاد به تدریج در تعیین قیمت نفت و نیز معادلات تجارت و بازار آن نقش‌ترین کردند.

همراه با اقدامات کشورهای تولیدکننده نفت، کشورهای مصرف‌کننده نیز بی‌کار ننشسته و با طراحی استراتژی «مدیریت انرژی»، سعی در خروج از بحران‌های «عدم عرضه» کافی توسط کشورهای تولیدکننده کرده که این مهم با تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در سال ۱۹۷۴ به اوج خود رسید.

مناسبات بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده در تجارت نفت، بازار و تعیین قیمت آن در مقاطع مختلف زمانی، پیچیدگی‌های خاص خود را به همراه داشته و دارد و از شوک‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۹، ۱۹۸۶ و ۲۰۰۲ با حملات نظامی به عراق، افغانستان و لیبی و یا حتی بحران اقتصادی آسیای جنوب شرقی در اواخر هزاره دوم میلادی، باعث شده تا تنور این معادله پیچیده همواره داغ باقی بماند.

اما ظهور اقتصادهای بزرگ جهانی چون هند و چین و همچنین کاهش تولید در کشورهای غیرعضو اوپک، افزایش نفوذ OPEC و تأثیر مضاعف بر بازار، افزایش هزینه‌های تولید و دست آخر، کاهش ارزش دلار باعث شد تا بار دیگر و پس از ۲۰۰۳، قیمت نفت افزایش پیدا کرده و برای اولین بار در تاریخ خود، قیمت بالای یک صد دلار را تجربه کند. این افزایش قیمت به یک‌باره OPEC را بار دیگر بر سر زبان‌ها انداخت؛ اما از سوی دیگر، IEA که «مدیریت تقاضا» را رهبری می‌کند،

بیکار ننشسته و اقدامات متقابل را برای کنترل بازار و قیمت نفت، طراحی و به اجرا گذاشته و می‌گذارد.

سرمایه‌گذاری درخصوص انرژی‌های جایگزین و همچنین فعالیت‌های اکتشافی برای ذخایر جدید در کشورهای مصرف‌کننده و مدیریت ذخایر استراتژیک (SPR)، از جمله مواردی است که به‌منظور کنترل قیمت نفت به انجام رسیده است. بازار نفت و تجارت آن، سیاست و اقتصاد را توأم با یکدیگر پیش روی خود دارد؛ از این روست که آرامش در این فضا تقریباً غیرممکن بوده و هر لحظه انتظار پیش‌آمدی جدید را باید داشت. کتاب «بشکه‌های شوک» مقوله بازار نفت و عوامل مختلف و تأثیرگذار در این فضای پیچیده را بررسی می‌کند. این کتاب در ۴ فصل طراحی شده که هر کدام از این فصول در چهار باب این گستره اقتصادی - سیاسی می‌گشاید.

فصل اول تمرکز بر عوامل اقتصادی و سیاسی در شکل‌گیری قیمت‌های نفت را مشخص می‌کند. این کار با تعریف عوامل سیاسی آغاز می‌شود؛ سپس تعریفی از موازنه قیمت سیال در بازار نفت ماده معدنی، ارایه می‌شود. نکته اساسی آن است که وقتی بازیگران، ذخایری با هزینه‌های پایین را کنترل و نمی‌خواهند یا نمی‌توانند یک رفتار اقتصادی نظام‌مند انجام دهند، تحلیل اقتصادی امکان شکل‌گیری موازنه قیمت سیال مشخصی را نمی‌دهد. البته امکان تعریف یک گستره موازنه قیمت که در آن ترجیحات سیاسی می‌توانند در نظر گرفته شوند، وجود دارد. در نهایت، نتیجه‌گیری‌هایی براساس آنچه می‌تواند در منظر بانک جهانی و گروهی جدید نفتی بین تولیدکننده و مصرف‌کننده صورت گیرد، ارایه می‌شود.

درآمیختن عوامل سیاسی و اقتصادی در روند تاریخی قیمت‌های نفت، تقریباً برای همه کارشناسان محرز بوده و همچنان خواهد بود؛ البته تحلیل‌ها در مسیر آنها از ماهیت دقیق این تداخل و اهمیت نسبی دو عامل، بسیار متفاوت است. از میانه دهه ۱۹۸۰، روند رو به رشدی از فشار نقش عوامل اقتصادی وجود داشته و بازتفسیر تاریخچه اخیر نفت در این راستا می‌باشند.

برای نمونه، در دهه ۱۹۷۰، اوپک کاملاً به‌صورت یک کارتل سیاسی در نظر گرفته می‌شد که قادر به تثبیت قیمت در هر سطحی با متغیر منابع انرژی بود. امروزه بسیاری از کارشناسان برآنند که اوپک هرگز عملاً کنترلی واقعی بر بازار نداشته است. این فرضیه تسلط عوامل اقتصادی، مورد حمایت دولت‌های کشورهای است که

نسبت به ابتکار گفت‌وگویی که بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به‌وسیله ونزوئلا و فرانسه در سال ۱۹۹۱ آغاز شد، بی‌میل‌اند. در صورت لزوم، این دولت‌ها متمایل به بحث پیرامون روش‌های بهبود کارکرد بازار بوده، ولی هرگونه بحثی پیرامون سطح قیمت را بی‌فایده و حتا مضر می‌دانند.

از سوی دیگر، برخی کارشناسان نظیر پرفسور «مابرو»، یادآوری می‌کنند که روزهان قیمت‌ها به‌وسیله بازارهای آزاد تثبیت و در نتیجه مانند دیگر کالاها با نوسان روبه‌رو بوده که این نوسانات حول سطح متوسط خود در تاریخ نفت می‌باشند. این وضعی‌ها با بحران‌ها از هم جدا می‌شوند. بنا به گفته «مابرو»، در پی یک بحران، اساساً این عوامل سیاسی هستند که سطح جدید پایداری نسبی را مشخص می‌کنند که در گستره وسیعی از احتمالات ممکن قرار دارند.

این فصل در تلاش است تا تمایز بین عوامل اقتصادی و سیاسی را در شکل‌گیری قیمت‌های نفت مشخص کند. ما باید با تعریف عوامل سیاسی شروع کنیم. پس نخستین بخش به تعریف اختصاصی می‌یابد: کاری که به ندرت در مکتوبات صورت گرفته است. معمولاً درک ضمنی عوامل اقتصادی و سیاسی، آشکارا باعث سردرگمی است. بخش دوم، تعریفی از موارد سه‌گانه قیمت در بازار یک ماده معدنی را ارائه می‌دهد. نکته اساسی آن است که وقتی بازیگران ذخایری با هزینه بسیار پایین را کنترل می‌کنند (در این مورد صنعت نفت)، ولی نمی‌خواهند یا نمی‌توانند یک رفتار اقتصادی نظام‌مند انجام دهند، تحلیل اقتصادی امکان شکل‌گیری موازنه قیمت سه‌گانه را نمی‌دهد. البته امکان تعریف یک گستره موازنه قیمت که در آن ترجیحات سیاسی می‌توانند در نظر گرفته شوند، وجود دارد. بخش سوم از بحث پیشین در تعریف تعداد مشخصی از محدوده‌ها و گستره‌های قیمت‌ها که امکان ارتباط بین عوامل اقتصادی و سیاسی در شکل‌گیری قیمت نفت را می‌دهد، نشأت می‌گیرد. بخش چهارم مشخص می‌کند که این مدل امکان تفسیر روند قیمت‌های نفت را از اوایل دهه ۱۹۷۰ به ما می‌دهد. بخش پنجم به نتیجه‌گیری‌های به‌دست آمده از موضوعاتی اختصاص می‌یابد که می‌توانند در پرتو یک گفت‌وگوی جدید نفتی تولیدکننده - مصرف‌کننده، شکل گیرند.

در فصل دوم، بازار نفت سیاست‌ها و سیاست‌گذاری در آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بیشتر مصرف انرژی جهان در مرزهای بین‌المللی جریان یافته و ۵۵٪

تولید نفت جهان بیرون از کشور تولیدکننده به مصرف می‌رسد. همچنین بخش عمده انرژی جهان به‌وسیله شرکت‌هایی در مقیاس بین‌المللی تولید شده و تقریباً همه پروژه‌های بزرگ انرژی در حال حاضر تحت اجرا یا برنامه‌ریزی مالی، مدیریتی و فناوری شرکت‌های بین‌المللی انرژی می‌باشند. این شرکت‌ها کمتر و کمتر به‌عنوان شهروندان یک کشور شناخته می‌شوند، چنانکه شرکت‌هایی نظیر BP Amoco و Royal Dutch Shell، آمریکایی / بریتانیایی و هلندی / بریتانیایی هستند.

مسئله این است که این جهانی‌سازی چه تاثیری بر امنیت غرب - متضمن شکل‌گیری آینده‌ای ایمن‌تر و شکوفاتر یا افزایش مشکلات - دارد. به‌صورت نامطمئنی تکیه جوامع دموکراتیک غربی بر نفت وارداتی، آسیب‌پذیرترین بخش استراتژیک این جوامع نسبت به افتگی در بقیه جهان است. تقریباً تمامی دیگر منابع - فیزیکی، فناوری، مالی و انسانی - تا حد زیادی در جوامع دموکراتیک غربی وجود داشته و جریان بین‌المللی این منابع عمده‌ها بین دول غربی است. در مقابل، وابستگی زیاد غرب به واردات انرژی بر منابعی است که بیرون از جوامع دموکراتیک صنعتی می‌باشند.

با این وجود، این فصل بر آنست که جهانی‌سازی انرژی عموماً برای امنیت خوب بوده و با سیاست‌هایی کارآمد، استفاده از بازارها، جوامع دموکراتیک می‌توانند دسترسی به منابع حیاتی نفت و دیگر انرژی‌ها را تضمین کنند. هم‌زمان دموکراسی‌های غربی اغلب دیدگاه یکسانی نسبت به منابع مورد مربوط به انرژی ندارند. در دو حوزه اصلی، ایالات متحده دیدگاه متفاوتی نسبت به اروپا یا ژاپن دارد: امنیت خلیج فارس و حفاظت از محیط زیست. مورد نخست، تمرکز نظامی اهمیت زیادی برای ایالات متحده دارد، در حالی که این موضوع در دومی کمتر سابق است. به‌جای برانگیختن یک بحران بی‌مورد با تلاش زیاد در رسیدن به اجماع، خطر بهتر، روشی میانی است: کار گروهی در عین پذیرفتن اختلافات این نواحی.

فصل سوم به نوسانات بازار و شرایط سیاسی می‌پردازد. سیاست‌مداران و رسانه‌های عمومی اخیراً به مفهوم امنیت انرژی توجه کرده، به‌طور گسترده‌ای برآنند که امنیت انرژی در سالیان اخیر کاهش یافته و دولت‌ها، به‌ویژه دولت ایالات متحده باید گام‌هایی در جهت تثبیت آن بردارند. در این فصل آمارهایی ارائه می‌شود که به‌صورت سازمان‌یافته، امنیت بازار نفت جهان بررسی می‌گردد. به‌ویژه ما شاخص‌هایی

از شرایط اجتماعی و سیاسی کشورهای تولیدکننده نفت را تحلیل و نشان می‌دهیم که چگونه این عوامل از دهه ۱۹۶۰ موثر بوده‌اند. سپس از شاخص‌های خود برای تحلیل روندهای به‌دست آمده، با تغییر نوع کشورهای تولیدکننده نفت یا تغییر در شرایط سیاسی در مجموعه کشورهای صادرکننده نفت، بهره می‌بریم.

نیمه دوم فصل به این پرسش می‌پردازد که چگونه شرایط سیاسی کشورهای تولیدکننده نفت بر بازار جهانی نفت اثر می‌گذارند؟ ما نشان می‌دهیم که رابطه منفی مشخصی بین نوسانات کوتاه‌مدت تولید نفت یک کشور و باز بودن فضای سیاسی آن وجود داشته و دولت‌های کاملاً دموکراتیک، نوسان کمتری در تولید نفت خود نسبت به رژیم‌های استبدادی نشان می‌دهند. این نتیجه، بررسی‌های زیادی شامل بهره‌گیری از مدل‌های مختلف شرایط سیاسی، اسباب شرایط سیاسی و ابعاد مختلف نوسانات تولید نفت را دربرمی‌گیرد.

در فصل چهارم به بررسی تاریخ صنعت نفت با توجه خاص بر حوادث مربوط به تغییرات مهم در قیمت نفت می‌پردازیم. با وجود اینکه نفت به‌گونه‌ای متفاوت و با اهمیت بسیار کمتری از بازار اتصالی در قرن نوزدهم، نسبت به امروز، مصرف می‌شد، شباهت جالب بین حوادث آن دو این تغییرات اخیر وجود دارد. شوک‌های نفتی اصلی پس از جنگ جهانی دوم شامل بحران کانال سوئز در ۱۹۵۶-۵۷، تحریم نفتی اوپک در ۱۹۷۳-۷۴، انقلاب اسلامی ایران ۱۹۷۸-۱۹۷۹، شروع جنگ ایران - عراق در ۱۹۸۰، نخستین جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۰-۹۱، ارزش‌گیری قیمت در ۲۰۰۷-۲۰۰۸، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دیگر مشکلات کم‌اهمیت‌تر همانند رکودهای اقتصادی که در پی هر یک از شوک‌های بزرگ نفتی پس از جنگ جهانی دوم روی داده‌اند، به بحث گذاشته شده‌اند.

فضایی را که در سایه سیاست و اقتصاد بر بازار نفت سایه افکن در بررسی تصمیم‌های این حوزه بر قیمت نفت خام را می‌توان با مطالعه این ۴ فصل از دریچه‌ای کاملاً متفاوت مشاهده کرد و در نهایت تاریخچه‌ای از شوک‌های نفتی که چگونه جهان اقتصاد و سیاست را تحت‌الشعاع خود قرار داده و همچنان می‌دهد. امید است که مورد قبول واقع شود.

احمد جزایری

تابستان ۱۳۹۴